



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته
روان شناسی عمومی

عنوان :

ساخت و هنجاریابی پرسشنامه سبک های شوخ طبعی در دانشجویان

استاد راهنما:

دکتر عبدالجواد احمدی

استاد مشاور:

دکتر علیرضا کاکاوند

پژوهشگر :

رستم قالبی حاجیوند

شهریور ۱۳۸۹

تقدیر و تشکر

بدون شک اگر راهنمایی ها و کمک های ارزنده استادان بزرگوار و صاحبان علم و اندیشه نبود ، تهیه این پایان نامه میسر نمی شد ؛ جناب آقای دکتر عبدالجواد احمدی استاد راهنمای پایان نامه در مراحل مختلف پژوهش از انتخاب موضوع ، تهیه طرح تحقیق تا مطالعه آخرین نسخه تایپ شده ، همواره با دقت و موشکافی زیاد همراه کار بوده اند . از ایشان به خاطر کمک های بی دریغ شان نهایت تشکر را دارم . استاد مشاور جناب آقای دکتر علیرضا کاکاوند به سهم خود کمک مهمی را در پیشبرد تحقیق به عهده داشتند . از این بزرگوار به خاطر مطالعه دقیق سوالات و اظهار نظر کتبی و شفاهی ، در دسترس قرار دادن منابع علمی و سایر کمک هایشان سپاسگزارم.

فهرست مطالب

بیان مساله	فصل اوّل
۱	۱-۱ مقدمه
۴	۱-۲ بیان مساله و سوال های تحقیق
۷	۱-۳ هدف تحقیق
۷	۱-۴ اهمیّت تحقیق
۸	۱-۵ فرضیه ها
۸	۱-۶ تعیین متغیرها و تعاریف عملیاتی
	فصل دوم
	پیشینه تحقیق
۱۰	۲-۱ بنیان نظری مفاهیم مربوط به تحقیق
۱۰	۲-۱-۱ مقدمه
۱۰	۲-۱-۲ تعریف شوخ طبعی و شوخی
۱۱	۲-۱-۳ تفاوت شوخی ، هجو ، هزل و طنز
۱۱	۲-۱-۴ شوخ طبعی از دیدگاه اسلام
۱۲	۲-۱-۵ تحول مفهوم شوخ طبعی
۱۴	۲-۱-۶ رویکرد تکاملی به شوخ طبعی
۱۶	۲-۱-۷ معانی کنونی شوخی و شوخ طبعی
۱۸	۲-۱-۸ نظریه های شوخ طبعی
۱۸	۲-۱-۸-۱ نظریه برتری
۲۰	۲-۱-۸-۲ نظریه عدم تجانس یا ناهمخوانی

۲۲	۳-۸-۱-۲ نظریه کاهش تنش
۲۴	۴-۸-۱-۲ نظریه کاهش اضطراب
۲۴	۵-۸-۱-۲ نظریه نزاکت
۲۵	۶-۸-۱-۲ نظریه برگسون
۲۶	۹-۱-۲ اساس فیزیولوژیکی شوخ طبعی
۲۶	۱-۹-۱-۲ نیمکره راست
۲۷	۲-۹-۱-۲ قطعه های پیشانی
۲۷	۳-۹-۱-۲ قشر پیش پیشانی قدامی میانی
۲۸	۱۰-۱-۲ اساس شناختی و عاطفی شوخ طبعی
۳۰	۲-۲-۲ مرور بر پژوهش های انجام شده
۳۰	۱-۲-۲ رویکردها و مفهوم سازی های متفاوت به اندازه گیری شوخ طبعی
۳۰	۱-۲-۲-۱ ابزارهای درک شوخی
۳۱	۲-۲-۱-۲ آزمون سه بعدی شوخ طبعی
۳۱	۳-۲-۱-۲ پرسشنامه صفت - حالت
۳۲	۴-۲-۱-۲ تکنیک دسته بندی پرسشها برای ارزیابی رفتارهای شوخ طبعانه
۳۲	۵-۲-۱-۲ آزمون های توانایی شوخ طبعی
۳۳	۲-۲-۲ ابزارهای خود سنجی شوخ طبعی
۳۳	۱-۲-۲-۲ مقیاس مقابله ای شوخ طبعی
۳۳	۲-۲-۲-۲ پرسشنامه پاسخ شوخ طبعانه به موقعیت
۳۵	۳-۲-۲-۲ پرسشنامه شوخ طبعی
۳۵	۴-۲-۲-۲ مقیاس چند بعدی شوخ طبعی

۳۶	۲-۲-۲-۵ مقیاس شوخ طبعی چینی
۳۷	۲-۲-۳ رویکرد چند بعدی به مفهوم سازی شوخ طبعی
۳۸	۲-۲-۳-۱ پرسشنامه سبک های شوخ طبعی
۴۷	۲-۲-۳-۲ پرسشنامه تجدید نظر شده سبک های شوخ طبعی
	فصل سوم
	روش تحقیق
۴۹	۳-۱ طرح تحقیق
۴۹	۳-۲ جامعه آماری
۴۹	۳-۳ نمونه و روش نمونه گیری
۵۰	۳-۴ روش جمع آوری اطلاعات و ساخت آزمون
۵۱	۳-۵ بررسی مقدماتی
۶۶	۳-۶ روش تجزیه و تحلیل داده ها
	فصل چهارم
	نتایج پژوهش
۷۲	۴-۱ نتایج مدل عاملی تاییدی
۷۷	۴-۲ برازش مدل عاملی تاییدی
۷۸	۴-۳ پایایی مدل
	فصل پنجم
	تحلیل نتایج
۸۰	۵-۱ خلاصه یافته ها
۸۱	۵-۲ بحث در نتایج
۸۶	۵-۳ محدودیت ها و پیشنهادات
۸۷	منابع فارسی

پیوست ها

۹۲

پرسشنامه شوخ طبعی چینی

۹۳

مقیاس چندبعدی شوخ طبعی (تورسون و پاول)

۹۴

پرسشنامه سبک های شوخ طبعی (مارتین و همکاران)

۱۰۰

پرسشنامه سبک های شوخ طبعی رف

فهرست جداول

- جدول ۱-۲: نتایج همبستگی بین پرسشنامه HSQ و پرسشنامه های قبلی شوخ طبعی ۴۴
- جدول ۲-۲: نتایج همبستگی بین پرسشنامه HSQ و ابزارهای مرتبط با بهزیستی روانی ۴۶
- جدول ۱-۳: تعداد دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاههای قزوین ۴۹
- جدول ۲-۳: تعداد افراد نمونه به تفکیک دانشگاههای مختلف ۴۹
- جدول ۳-۳: توزیع فراوانی به تفکیک جنسیت ۵۰
- جدول ۳-۴: نمونه پاسخ های شوخ طبعانه به موقعیت ها به تفکیک سبکهای شوخ طبعی ۵۲
- جدول ۳-۵: فراوانی پاسخ های داده شده به هر کدام از گزینه ها ۶۴
- جدول ۱-۴: ماتریس کوواریانس سوالات ۷۲
- جدول ۲-۴: ماتریس کوواریانس متغیرهای نهفته (شوخ طبعی خوشایند و شوخ طبعی ناخوشایند) ۷۳
- جدول ۳-۴: ضریب همبستگی بین سبک های شوخ طبعی خوشایند و ناخوشایند ۷۳
- جدول ۴-۴: بارهای عاملی ، خطای استاندارد ، مجذور همبستگی چندگانه مربوط به متغیرها ۷۶
- جدول ۴-۵: نتایج آزمون های آماری تعیین برازش ۷۷
- جدول ۴-۶: آلفای کرونباخ ۷۸
- جدول ۴-۷: ضریب همبستگی باز آزمایی ۷۸
- جدول ۴-۸: خلاصه نتیجه آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین دانشجویان دختر و پسر در سبک های شوخ طبعی ۸۹

فهرست شکل ها

۷۴

شکل ۴-۱: بارهای عاملی استاندارد نشده

۷۵

شکل ۴-۲: بارهای عاملی استاندارد شده

چکیده

این مطالعه به منظور ساخت و هنجاریابی پرسشنامه سبک های شوخ طبعی دانشجویان ایرانی انجام شده است. به این منظور ۵۴۸ دانشجو با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی، آلفای کرونباخ و روش آزمون - بازآزمون اعتبار پرسشنامه آزمون شد. همچنین روایی محتوی با استفاده از نظر متخصصان در مورد ارتباط ماده های پرسشنامه با تعاریف مرتبط با سبک های شوخ طبعی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی تاییدی از الگوی ارائه شده حمایت کرد، محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۵) و روش آزمون - بازآزمون (۰/۶۸-۰/۸۵) حاکی از پایایی قابل قبول ابزار است. توافق نظر متخصصان در مورد ارتباط ماده های پرسشنامه با تعاریف ارائه شده در مورد سبک های شوخ طبعی در منابع معتبر، نشانه روایی قابل قبول پرسشنامه است.

کلیدواژه ها : پرسشنامه سبک های شوخ طبعی، هنجاریابی، پایایی، روایی

فصل اول

بیان مسئله

۱-۱: مقدمه

افراد در تمایلات، رغبت‌ها، استعدادها، شخصیت، هوش و رفتار تفاوت دارند و برای سنجش این ویژگی‌ها و خصایص روانی معیار، مقیاس، میزان و اندازه‌گیری لازم است که از خطا و داوری شخصی و نظری مبری باشد. یکی از وسایلی که برای کشف استعدادها و سنجش قوای مختلف روانی مانند رغبت، مهارت، معلومات، شخصیت، و... به کار می‌رود آزمون است.

احتمالاً اندازه‌گیری خصیصه‌های روانی و استفاده از آزمون به هر شکلی به اندازه تاریخ مکتوب انسان قدمت داشته باشد. افلاطون و ارسطو در آثار خود از تفاوت‌های فردی سخن گفته‌اند. در امپراطوری چین قدیم در ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، کارکنان سازمان‌های کشوری هر سه سال یک بار با گونه‌ای از امتحانات مورد آزمون قرار می‌گرفتند که نتایج این امتحانات به عنوان ملاکی برای ارزشیابی عملکرد و ارتقاء آنان مورد استفاده قرار می‌گرفت (کاپلان^۱، ۱۹۸۹، به نقل از پاشا شریفی، ۱۳۸۷).

در روان‌شناسی معاصر در بسیاری از کتب، تاریخچه آزمون رابه دو دانشمند فرانسوی به نام‌های «بینه و سیمون^۲» نسبت می‌دهند، اما همچنانکه هیچ ابداع و اختراع علمی ناگهانی نبوده، پیدایش آزمون و معیارهای سنجش روانی نیز مدیون کوشش‌ها و فعالیت‌های محققان بسیاری بوده است که در ادامه اجماً ارائه می‌شوند.

اسکیرو^۳ در سال ۱۸۳۸ کتابی دو جلدی تهیه کرده که فصلی از آن رابه موضوع عقب‌ماندگی ذهنی اختصاص داد و کوشش‌های فراوانی برای اندازه‌گیری میزان عقب‌ماندگی ذهنی افراد انجام داد. نتیجه‌ای که گرفت این بود که مهارت‌های کلامی فرد بهترین معیار توانش ذهنی است (آناستازی، ۱۳۶۴).

سگن^۴ پزشک مشهور فرانسوی نیز در همین سالها روش‌های تربیت حسی یا عضلانی را برای عقب‌ماندگان ذهنی مورد استفاده قرار داد. بعضی از روش‌های ابداعی وی در آزمون‌های کرداری یا غیر کلامی هوش مورد استفاده قرار گرفت. آزمون جاناندازی سگن که در آن آزمودنی باید با حداکثر سرعت قطعات چوبی را در حفره‌های مناسب قرار دهد یکی از ابداعات وی به شمار می‌رود (آناستازی، ۱۳۶۴). روان‌شناسان آزمایشی قرن نوزدهم (وونت، وبر، فخر و...) اگرچه توجه زیادی به تفاوت‌های فردی نداشتند و بیشتر دنبال پیدا کردن اصول علمی و قانونمند کردن ویژگی‌های اساسی بودند، ولی مسائلی را مانند حساسیت به محرک‌های حسی و زمان واکنش را مورد مطالعه قرار دادند. علاوه بر این تاثیر روان‌شناسان آزمایشی در کنترل شرایط مشاهده و اندازه‌گیری نیز قابل توجه است (احمدی، ۱۳۷۸).

^۱- kaplan

^۲- Binet & Simon

^۳- Skirrol

^۴- Seguin

فرانسیس گالتون^۱ (۱۸۸۲) یکی از نخستین کسانی است که به مطالعه و اندازه گیری تفاوت های فردی پرداخت و در شکل گیری نهضت روانسنجی نقش عمده ای ایفا نمود. گالتون عقیده داشت که بین توانایی ذهنی (هوش) و تمیز حسی رابطه وجود دارد و هر چه میزان هوش بالا تر باشد سطح تمیز حسی نیز بالاتر است. بر این اساس بود که برای اندازه گیری قدرت تمیز حسی، آزمون های مختلفی نظیر سوت گالتون برای اندازه گیری قدرت شنوایی، رنگ سنج برای اندازه گیری دقت آزمودنی در مقایسه دو لکه رنگ، و زنه های گالتون برای سنجش حساسیت جنبشی را اختراع نمود (پاشا شریفی، ۱۳۸۷).

خدمت مهم دیگر گالتون ابداع روش های آماری برای کمی ساختن نتایج حاصل از اجرای آزمونها برای مطالعه تفاوت های فردی و تجزیه و تحلیل این نتایج بود. روشهای آماری مورد مطالعه وی بعدها توسط پیرسون توسعه پیدا کرد و به تدوین روش همبستگی پیرسون منجر شد (اردبیلی، ۱۳۷۷). یکی دیگر از دانشمندانی که علم روان شناسی آزمایشی را با نهضت جدید روان آزمایی به هم آمیخت کتل^۲ بود. وی نیز مانند گالتون به اندازه گیری تفاوت های فردی علاقه داشت. کتل در سال ۱۸۹۰ کتابی به نام «آزمون روانی و اندازه گیری آن» منتشر نمود که برای اولین بار اصطلاح آزمون روانی را وارد روانسنجی نمود. کتل نیز مانند گالتون عقیده داشت که با اندازه گیری فرایندهای تمیز حسی و زمان واکنش می توان تواناییهای ذهنی را اندازه گیری کرد (پاشا شریفی، ۱۳۸۷).

کتل در کتاب خود آزمون هایی را تشریح نمود که هر سال به منظور اندازه گیری توانش ذهنی دانشجویان در دانشگاهها اجرا می شود. این آزمون ها شامل اندازه های نیروی عضلانی، سرعت حرکت، حساسیت در برابر درد، درجه دقت بینایی و شنوایی، افتراق وزن ها، زمان واکنش، حافظه و مانند آن بود (آناستازی، ۱۳۶۴).

از دانشمندان دیگری که راه را برای پیدایش آزمون ها هموار نمود ابینگ هاوس^۳ بود. وی در زمینه تعیین استعداد کاربرد ساعات مختلف صبح، عصر و زمان ایجاد و یا ظهور خستگی مطالعاتی بوسیله وادار کردن دانش آموزان به حل متوالی مسائل و یا نوشتن مکرر سلسله اعداد و یا پر کردن عباراتی که کلماتی از آنها حذف شده بود، انجام می داد. اهمیت کار ابینگهاوس در به کار بردن امتحان برای شناختن روحیات افراد، وارد نمودن اندازه های عددی برای سنجش هوش و فراهم کردن مقدمات ضریب همبستگی است (اردبیلی، ۱۳۷۷).

تمامی آزمون های موجود از جمله کارهای گالتون و کتل در سال ۱۸۹۵ توسط آلفرد بینه و ویکتور هنری^۴ مورد انتقاد قرار گرفت. آنان با انتشار مقاله ای در فرانسه، آزمون هایی را که در مورد توانایی های حسی و حرکتی کاربرد داشتند را مورد انتقاد قرار دادند و اظهار داشتند که بین این آزمون ها و تواناییهای عالی ذهنی (هوش) همبستگی وجود ندارد. آنها پیشنهاد کردند که هوش باید بر اساس

^۱ - Frances Galton

^۲ - Cattell

^۳ - Ebbing Haus

^۴ - Victor Henry

تواناییهای عالی تر ذهنی مانند حافظه، توجه، درک، تخیل و استدلال مورد اندازه گیری قرار گیرد (پاشا شریفی، ۱۳۸۷).

در همان زمان وزارت آموزش همگانی فرانسه با تشویق بینه کمیته ای را برای مطالعه در مورد تواناییهای یادگیری کودکان عقب مانده ذهنی مامور کرد. بینه و یک روانپزشک به نام تئودور سیمون در این کمیته انواع تکالیف ذهنی را که کودکان در سنین مختلف می توانستند انجام دهند، بررسی کردند و بدین ترتیب نخستین آزمون هوشی را در سال ۱۹۰۵ ساختند (شولتز و شولتز، ۱۹۸۷، به نقل از پاشا شریفی، ۱۳۸۷).

به دنبال آن یکی دیگر از روان شناسان به نام ترمن^۱ در سال ۱۹۱۱ سلسله آزمون های بینه و سیمون را در مورد کودکان امریکایی آزمایش و بررسی کرد و در سال ۱۹۱۶ آنها را نام استنفورد-بینه منتشر نمود. ترمن مدتها در مورد سنجش هوش مطالعه کرد. بدین نحو که کودکان بسیاری را در امریکا با آزمون های مذکور آزمایش می نمود. بر اساس این مطالعات آزمون های استنفورد-بینه یکبار در سال ۱۹۳۷ و بار دیگر در سال ۱۹۶۰ مورد بررسی و تجدید نظر قرار گرفته و آخرین فرم تجدید نظر شده آن در سال ۱۹۸۶ منتشر شده است (اردیلی، ۱۳۷۷).

سرانجام در جنگ جهانی اول، برای سنجش افرادی که وارد ارتش می شدند، آرتور اوتیس^۲ آزمون الفا و بتای ارتش را که یک آزمون هوشی با پرسش های چندگزینه ای بود، تدوین نمود. آزمون آلفا یک آزمون کلامی بود که برای افراد با سواد و آزمون بتا یک آزمون غیر کلامی بود که برای افرادی که بیسواد بودند یا زبان انگلیسی را نمی دانستند، استفاده می شد. در این دوران، علاوه بر آزمون های هوشی، آزمون های شخصیت نیز مورد توجه قرار گرفت و ارتش امریکا برای تشخیص افراد نظامی مبتلا به روان رنجوری، به آزمون های شخصیت نیاز پیدا کرد. رابرت وودورت^۳ در این رابطه به تهیه برگه اطلاعات فردی همت گذاشت. این پرسشنامه اگرچه در دوره جنگ اجرا نشد اما بعدها به عنوان الگویی برای ساختن آزمون های شخصیت مورد استفاده قرار گرفت (پاشا شریفی، ۱۳۸۷).

البته پیش از آن کراپلین روانپزشک آلمانی آزمون تداعی آزاد اندیشه ها را که قبلا توسط گالتون ابداع شده بود تدوین کرده بود و در مورد بیماران روانی به کار می برد و بعدها کارل یونگ^۴ روش مشابهی را با عنوان تداعی آزاد کلمات برای تشخیص عقده های روانی بیماران به کار بست (پاشا شریفی، ۱۳۸۷).

از آن به بعد آزمون های روانی نه تنها در ارتش و مدارس مورد استفاده قرار می گرفت بلکه در صنعت، تجارت، سازمان های دولتی و غیر دولتی نیز استفاده می شد. بعد ها به سبب شتابزدگی در تدوین آزمون ها برای پاسخ گویی به نیازهای موسسات تجاری و آموزشی، بسیاری از آزمون های نامعتبر تهیه و انتشار یافت که نتایج حاصل از اجرای اینگونه آزمون ها مایوس کننده بود. در نتیجه بسیاری از شرکت های تجاری و سازمان های صنعتی در سالهای میانی دهه ۱۹۲۰، استفاده از آزمون ها را کنار

^۱- Terman

^۲- Arthur Otis

^۳- Robert Wood Worth

^۴- Karl Young

گذاشتند. تا اینکه در سال ۱۹۳۷ بررسی و مطالعات روان شناسان نشان داد که نارساییهای موجود در روان آزمایی به علت نارسایی ها در خود آزمون هاست. چنانچه در تهیه، اجرا و تفسیر نتایج آزمون ها اصول و موازین علمی مراعات شود می توان از آزمون ها به عنوان ابزارهای نسبتا معتبری در سنجش تواناییها و خصایص افراد استفاده نمود (پاشا شریفی، ۱۳۸۷).

در جریان این افت و خیز تهیه و اجرای آزمون ها، حوزه سنجش شخصیت نیز با مسائل متعدد عملی و نظری روبه رو بوده است و دشواریهای خاص در این حوزه باعث شده بود که آزمون های شخصیت نسبت به آزمون های تواناییهای شناختی و هوش از گسترش و تنوع کمتری برخوردار باشند (آناستازی، ۱۳۶۴، به نقل از احمدی، ۱۳۷۸). از جمله این عدم تنوع و توسعه را می توان در تهیه آزمون هایی دانست که به کار سنجش جنبه های مثبت شخصیت افراد از جمله سنجش شوخ طبعی را به عهده داشتند.

۲-۱: بیان مساله و سوالهای تحقیق

علیرغم پیشرفت سریع علم و تکنولوژی و خدماتی که بر مبنای آنها برای رفاه حال بشر ارائه شده است، مشکلات زیادی از قبیل افسردگی، بزهکاری، طلاق و دیگر اختلالات روانی-اجتماعی گریبانگیر انسانهاست و به نظر می رسد که شادی از زندگی بسیاری از افراد رخت بر بسته است. در این راستا علم روان شناسی-برخلاف این باور عمومی که فقط با بیماری و اختلالات روانی سروکار دارد-باجهت گیری مثبت، به مطالعه و بررسی هیجانات و ویژگیهای مثبت روانی همچون سلامت روان، شادی، خنده، شوخی و شوخ طبعی می پردازد که از بین موارد فوق، شاید جالب ترین و در عین حال جدیدترین آنها شوخ طبعی^۱ باشد.

تجربیات روزمره و عقیده عمومی نیز در طی سال ها حاکی از این است که شوخ طبعی و خنده می تواند به انسان در برابر مشکلات کمک کند و انسانها اغلب در زمانهای گرفتاری و مشکل به شوخی متوسل می شوند.

در تحقیقات روان شناسی، نظریه پردازان شخصیت مانند فروید، آلپورت و می^۲ شوخ طبعی را به عنوان مکانیسم مقابله ای سالم و سازگار معرفی نموده اند (مارتین و لفقورت^۳، ۱۹۸۳).

راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی^۴ (۱۹۹۴) شوخ طبعی را یک مکانیسم دفاعی توسعه یافته تعریف کرده است که به افراد برای مقابله با تعارضات هیجانی یا عوامل فشارزای بیرونی و با اهمیت دادن به جنبه های طنزآمیز و سرگرم کننده، کمک می کند (رف^۵، ۲۰۰۶).

تحقیقات زیادی درباره شوخ طبعی نشان داده اند که شوخ طبعی با آزاد سازی هیجانات بدون تاثیر منفی بردیگران، به فرد کمک می کند تا بر آنچه آسیب زا است، غلبه نماید (ویلان^۱ به نقل از

¹- sense of humor

²- Maye

³- Martin & Lefcourt

⁴- Diagnostic and Statistical manual of Mental Disorder (DSM)

⁵- Reff

رف، ۲۰۰۶) و به عنوان یک پیش بینی کننده قوی از جذابیت درون فردی و میان فردی (مارتین و همکاران، ۲۰۰۳) به افراد اجازه می دهد تا در افکار و احساسات یکدیگر سهیم باشند (گراهام^۲، ۱۹۹۵).

شوخ طبعی را می توان به عنوان یک شیوه درمانی حرفه ای در مشاوره و روان درمانی (کوپین و مییر^۳، ۲۰۰۷، بری^۴، ۲۰۰۴)، درمان افسردگی (کتز^۵، ۲۰۰۵، بگ^۶، ۱۹۹۶)، کار با بیماران اسکیزوفرن به کاربرد (فاکنبرگ و همکاران^۷، ۲۰۰۷، پولیمینی و رایس^۸، ۲۰۰۴)؛ همچنین از شوخ طبعی به عنوان یک مکانیسم دفاعی و عامل تعدیل کننده استرس و افزایش کارآمدی (مارتین و همکاران، ۲۰۰۳، فریل^۹، ۲۰۰۴، اریکسون و فلدستین^{۱۰}، ۲۰۰۶) برای تبلیغات (گویدری^{۱۱}، ۲۰۰۷)، گردشگری و جذب توریسم استفاده می شود (فریو^{۱۲}، ۲۰۰۶).

افراد شوخ طبع مهارت های مدیریت استرس خوبی را نشان می دهند ، قادر به ارزیابی ، بیان نمودن و مدیریت هیجانانشان هستند و در تعاملات اجتماعی موفق ترند (باور و گرونت^{۱۳} ، ۱۹۹۹ ؛ تاپلی^{۱۴} ، ۲۰۰۶ ؛ ابل^{۱۵} ، ۲۰۰۲ ؛ میلر^{۱۶} ، ۲۰۰۸ ؛ کوپیر^{۱۷} و مارتین ، ۱۹۹۸).

مطالعات زیادی نشان داده اند که شوخ طبعی به عنوان یک عامل حمایت کننده و پیش بینی کننده متغیرهای سلامت روان و بهزیستی روان شناختی ، همبستگی منفی با افسردگی ، اضطراب و استرس دارد (ابل ، ۲۰۰۲ ؛ کوپیر و مارتین ، ۱۹۹۳ ؛ کوپیر و مارتین ، ۱۹۹۸ ؛ کوپیر و مارتین و آلینگر^{۱۸} ، ۱۹۹۳ ؛ نزلک و درکس^{۱۹} ، ۲۰۰۱ ؛ بک ، ۱۹۹۶ ؛ مطلب زاده ، ۱۳۸۴ ؛ خشوعی ، ۱۳۸۴).

علاوه بر این ، افرادی که از سطوح بالای شوخ طبعی برخوردارند ، تمایل به لذت بردن از رویدادها و تجربیات روزمره زندگی دارند (نزلک و درکس ، ۲۰۰۱ ؛ کوپیر و آلینگر ، ۱۹۹۸ ؛ میلر ، ۲۰۰۸) به این علت افراد شوخ طبع ، اسنادهای خاصی دارند که به آنها کمک می کند به شیوه سرگرم کننده ای با مشکلات و رویدادهای ناگوار زندگی برخورد کنند تا تجربیات کمتر استرس آوری داشته باشند (یپ^{۲۰} و مارتین ، ۲۰۰۶) و همچنین بهزیستی و سلامت روان شناختی خویش را بهبود بخشند (مارتین ، ۲۰۰۴).

1- Vaillant

2- Graham

3- Kevin & meyer

4- Brry

5- Katz

6- Beg

7- Falkenberg et al

8- Polimeni & Reiss

9- Friel

10- Erickson & Feldstein

11- Guidry

12- Frew

13- Bauer & Geront

14- Tapely

15- Able

16- Milel

17- Kuiper

18- Olinger

19- Nezlek & Derks

20- Yip

در فرهنگ معاصر غربی، شوخ طبعی به عنوان یک ویژگی مطلوب شخصیتی نگریسته می شود. افراد شوخ طبع بهتر می توانند با استرس مقابله کنند، در ارتباط با دیگران موفق ترند و از سلامت روانی و جسمانی بهتری برخوردارند (لیفکورت، ۲۰۰۱).

شوخی طبعی تعاملات اجتماعی را روان می سازد و باعث کاهش فاصله بین افراد می شود (یلدیزباس و کیکر^۱، ۲۰۰۹).

با وجود شواهد فوق که ارتباط مثبت میان شوخ طبعی و سلامت روان را تایید می کنند، شواهد دیگری وجود دارد که این روابط را به چالش می کشند. مانند، کوپپر و بارویز-سینیک^۲ (۲۰۰۵)، که معتقدند شوخ طبعی فی نفسه کمک کننده نیست بلکه تاثیر آن در رابطه با سلامت روان از طریق دیگر متغیرهای شخصیتی نظیر رهبری و صمیمیت، تعدیل می شود یا لیتل^۳ (۲۰۰۷)، بر این عقیده است که شوخ طبعی مانند تیغه دبله ای است که می تواند برای روابط میان فردی هم مفید و هم مضر باشد.

در حقیقت نظریه های اولیه خنده که مربوط به ارسطو و افلاطون است و تا به شکل امروزی تداوم داشته اند، شوخ طبعی را نتیجه ای از احساس برتری حاصل از مسخره کردن دیگران به خاطر حماقت، ضعف و یا زشتی شان می دانند. چنین دیدگاهی با دیدگاه معاصر که شوخ طبعی را جزئی از روان شناسی مثبت می دانند، نا همخوان است (مارتین، ۲۰۰۴).

براین اساس مارتین و همکاران (۲۰۰۳) شوخ طبعی را به دو سبک سازگار (شوخی طبعی خودافزایی^۴ و شوخ طبعی پیونددهنده^۵) و دو سبک ناسازگار (شوخی طبعی پرخاشگرانه^۶ و شوخ طبعی خودکاهنده^۷) تقسیم نمودند.

سبک های سازگار شوخ طبعی با سلامت روان، عزت نفس، شادی، خلاقیت^۸، خوش بینی^۹ و خود کارآمدی^{۱۰} رابطه مثبت (مارتین و همکاران، ۲۰۰۳، مطلب زاده، ۱۳۸۴، هارتسل^{۱۱}، ۲۰۰۴، هولمز و مارا^{۱۲}، ۲۰۰۴) و سبک های ناسازگار شوخ طبعی با نورو تیسم، افسردگی، اضطراب و دیگر حالات هیجانی منفی رابطه مثبت دارد (رف، ۲۰۰۶، آرجیل^{۱۳}، ۱۹۸۷، کتز، ۲۰۰۵، اولسون و همکاران^{۱۴}، ۲۰۰۵).

¹- Yildizbas & Cakir

²- Browicz - Sibenik

³- Lyttle

⁴- Self-enhancing humor

⁵- Affiliative humor

⁶- Aggressive humor

⁷- Self-defeating humor

⁸- creativity

⁹- optimism

¹⁰- self-efficacy

¹¹- Hartsell

¹²- Holmes & Marra

¹³- Argyle

¹⁴- Olson et al

با توجه به مطالب فوق، دامنه کاربرد شوخ طبعی در زمینه های گوناگون زندگی مورد توجه قرار گرفته است که لزوم مطالعه و بررسی چگونگی ارزیابی شوخ طبعی به عنوان یک خصیصه چندبعدی شخصیتی اهمیت پیدا می کند و از طرفی با وجود آزمون های متعدد و روش ها و تکنیک های مختلف در ارزیابی ابعاد مختلف شخصیتی، در حیطه شوخ طبعی به عنوان یک خصیصه شخصیتی تلاش های کمی برای تهیه ابزار اندازه گیری آن صورت گرفته است و تعداد آزمون هایی که برای سنجش شوخ طبعی ساخته شده، بسیار محدود می باشد و اگر ابزاری هم ساخته شده، در کشورهایی انجام شده است که از لحاظ فرهنگی با ایران تفاوت های زیادی دارند. با توجه به این موضوع که شوخ طبعی از لحاظ فرهنگی بسیار تغییر پذیر است و تاثیرات فرهنگی روی سبک های مختلف آن زیاد است، استفاده مستقیم و بدون انطباق با فرهنگ ایرانی از آزمون های ساخته شده در سایر کشورها، کاملاً غیر علمی است.

این مهم در حالی است که طی جستارهایی که در این زمینه انجام شد در ایران آزمون خاص و هنجار شده ای برای اندازه گیری شوخ طبعی ساخته نشده است؛ بنابراین تهیه آزمون شوخ طبعی و هنجاریابی آن برای جامعه ایران ضروری احساس می شود.

بنابراین با توجه به عدم وجود سابقه چنین ابزاری بر اساس ویژگی های فرهنگ ایرانی، نکات نامشخص و مبهمی وجود دارد که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آنهاست.

- ۱- آیا سوالات تهیه شده برای آزمون شوخ طبعی دانشجویان با اقتباس از آزمون های شوخ طبعی (مارتین و همکاران، ۲۰۰۳ و رف، ۲۰۰۶)، دارای روایی و پایایی مناسبی است؟
- ۲- آیا تقسیم بندی شوخ طبعی بر اساس سبک های چهارگانه رایج در آزمونهای غیر ایرانی (پیوند دهنده، خود افزایی، پر خاشگرانه و خود کاهنده) در فرهنگ ایرانی مورد تایید است؟
- ۳- آیا سبک های شوخ طبعی در دانشجویان دختر و پسر متفاوت است؟

۳-۱: هدف تحقیق

با توجه به این که ابزار علمی و هنجار شده مناسبی برای ارزیابی شوخ طبعی در کشور ما وجود ندارد و با توجه به ضرورت وجود انواع آزمون های روانی حتی در یک زمینه خاص، هدف پژوهش حاضر آن است که با توجه به اصول علمی تهیه و استاندارد کردن آزمون ها، آزمونی مناسب برای سنجش دقیق شوخ طبعی تهیه شود، با تهیه چنین آزمونی امکان انجام پژوهش های علمی دقیق در زمینه شوخ طبعی فراهم شده و همچنین به عنوان یک ابزار دقیق در ارزیابی های روان شناختی و خدمات تشخیصی و درمانی قابل استفاده خواهد بود. با توجه به جامعه هدف این آزمون (دانشجویان)، می توان علاوه بر تهیه و هنجاریابی آزمون شوخ طبعی، از طریق نمونه بدست آمده جهت هنجاریابی آزمون، به سنجش سبک های شوخ طبعی، تفاوت سبک های شوخ طبعی در دانشجویان دختر و پسر اقدام نمود.

۴-۱: اهمیت تحقیق

شاید از مهمترین اهداف روان شناسی کمک به تامین آرامش، نشاط، بهداشت روانی و سلامت عمومی مردم است و به نظر می رسد که روان شناسی نوین - علاوه بر تاکید به جنبه های تشخیصی و درمانی

اختلالات روانی - با گرایش به سمت جنبه های روانی مثبت و سازگار شخصیتی، در تلاش برای شناخت دقیق تر خصوصیات شخصیتی افراد جامعه و ارائه راهکارهایی برای چگونگی شاد و سالم زیستن و بهزیستی روانی- جسمانی است. در این راستا یکی از ویژگیهای ظاهرا مثبت شخصیت، شوخ طبعی است که در تعاملات میان فردی نقش مهمی ایفا می کند و با توجه به اینکه برای شناخت بهتر و دقیق تر خصیصه های فردی، نیاز به ابزار آزمون های روانی می باشد و همان طور که در بیان مساله ذکر شد چون در کشور ایران ابزار مناسب و هنجار شده ای برای ارزیابی سبک های شوخ طبعی تهیه نشده، و با توجه به اهمیت موضوع، ضرورت انجام تحقیق، تهیه و هنجاریابی آزمون شوخ طبعی است تا بتوان با کمک آن سبک های شوخ طبعی افراد را ارزیابی نمود.

۵-۱: فرضیه ها

در مورد بخش عمده پژوهش که تهیه و هنجاریابی پرسشنامه شوخ طبعی است قاعداً طرح فرضیه ای میسر نمی باشد. بنابراین برای پاسخ به سوال اول، از طریق بررسی نظریه های علمی موجود و بر اساس پرسشنامه سبک های شوخ طبعی مارتین و همکاران (۲۰۰۳) و همچنین سوالات باز پاسخ از دانشجویان اقدام می شود.

فرضیه اصلی: تقسیم بندی شوخ طبعی بر اساس دو سبک خوشایند و ناخوشایند در فرهنگ ایرانی مورد تایید است.

فرضیه فرعی: بین سبک های شوخ طبعی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

۶-۱: تعیین متغیرها و تعریف عملیاتی آنها

در این پژوهش تعدادی مفاهیم کلیدی و مهم وجود دارد که به ترتیب طرح آنها در عنوان پژوهش تعریف می شوند.

هنجاریابی^۱: هنجاریابی آزمون یعنی همسان کردن روش کاربری اجرا و نمره گذاری آزمون. برای اینکه مقایسه نمره های افراد در آزمون های بخصوصی امکانپذیر باشد باید همه افراد تحت شرایط یکسان امتحان شوند (آناستازی، ۱۳۶۴، به نقل از احمدی، ۱۳۷۸). برای استاندارد کردن یک آزمون، آن را بر اساس یک دستورالعمل استاندارد شده و تحت شرایط یکسان، در یک گروه نمونه تصادفی انتخاب شده از جامعه که آزمون در مورد آنها استاندارد می شود، اجرا می کنند (شریفی، ۱۳۸۷).

آزمون^۲: آزمون وسیله ای است عینی و استاندارد شده که برای اندازه گیری نمونه ای از رفتارها یا خصایص آدمی به کار می رود (احمدی، ۱۳۷۸). در این تعریف مراد از عینی آن است که روش اجرا، نمره دادن، تعبیر و تفسیر نتایج آزمون بر اساس قواعد معین و مشخصی صورت می گیرد و قضاوت و نظر شخصی در آن بی تاثیر است (شریفی، ۱۳۸۷).

شوخی طبیعی: مارتین (۲۰۰۱) شوخی طبیعی را به عنوان تفاوت عاداتی افراد در همه رفتارها، تجارب، عواطف، نگرش ها و توانایی هایی در ارتباط با سرگرمی، خندیدن، شوخی کردن و نظایر اینها تعریف می کند (خشوعی، ۱۳۸۷).

شوخی طبیعی یک ویژگی ثابت شخصیتی و یک سازه چندبعدی است که بهتر است به عنوان طبقه ای از ویژگیها مانند توانایی های شناختی (توانایی خلق، درک، بازسازی و یادآوری لطیفه ها)، پاسخ های زیبا و جذاب (لذت از انواع خاص موضوعات شوخی طبعانه)، الگوی رفتاری عادت (تمایل به خندیدن، گفتن لطیفه و خندانیدن دیگران)، ویژگی های خلقی مرتبط با هیجان (خوشرویی و نشاط)، نگرشی (نگرش مثبت به شوخی) و یک راهبرد یا مکانیسم دفاعی (تمایل به داشتن نگاه شوخی طبعانه در مواجهه با مشکلات) در نظر گرفته شود. (مارتین و همکاران، ۲۰۰۳).

شوخی طبیعی با توجه به سبک های چهارگانه و بر اساس آیتم ها و مواردی که در آزمون مورد پژوهش گنجانده می شود، سنجیده خواهد شد.

فصل دوم

پیشینه پژوهش